

هو الاول

این کتاب با کاغذی از منابع جنگل‌های پایدار چاپ شده است
و گواهی‌نامهٔ FSC دارد.

انتشارات امیرکبیر
نام‌آشنای علم و ادب و فرهنگ

مثنوی معنوی



به تصحیح
رینولد نیکلسون

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی

انتشارات امیرکبیر

مثنوی معنوی
مولانا جلال‌الدین محمد بلخی

نویسنده: مولانا جلال‌الدین محمد بلخی
مصحح: رینولد الین نیکلسون

ویرایش و مقابله: ابراهیم اسماعیلی اراضی
طراح جلد: زیبا ابراهیمی
طراح و صفحه‌آرا: محمد محمدی

نوبت چاپ: نوزدهم ۱۴۰۵
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
چاپ و صحافی: واژه‌پرداز اندیشه

دفتر مرکزی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، تقاطع خیابان سعدی
شمارهٔ تماس: ۳۳۹۰۰۷۵۱-۲
کدپستی: ۱۱۴۳۸۱۷۸۱۸

سرشناسه: مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ق.
عنوان و نام پدیدآور: مثنوی معنوی / اثر جلال‌الدین مولوی محمدبن محمدبن الحسین البلخی ثم الرومی؛ به سعی و اهتمام رینولدالین نیکلسون از روی نسخهٔ طبع ۱۹۳۳ - ۱۹۲۵م. در لیدن.
مشخصات نشر: تهران: امیرکبیر، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری: ۱۲۴۸ ص.
فروست: مجموعهٔ متون کهن
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۰-۰۲۷۷-۳
یادداشت: چاپ نوزدهم
موضوع: شعر فارسی -- قرن ۷ق.
شناسهٔ افزوده: نیکلسون، رنلد الین، ۱۸۶۸ - ۱۹۴۵م.
شناسهٔ افزوده: Nicholson, Reynold Alleyne
رده‌بندی کنگره: PIR۵۲۹۸ ۱۳۳۶
رده‌بندی دیویی: ۸فا۱/۳۱
شماره‌کتاب‌شناسی ملی: ۱۱۵-۴۹م

مثنوی معنوی

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی

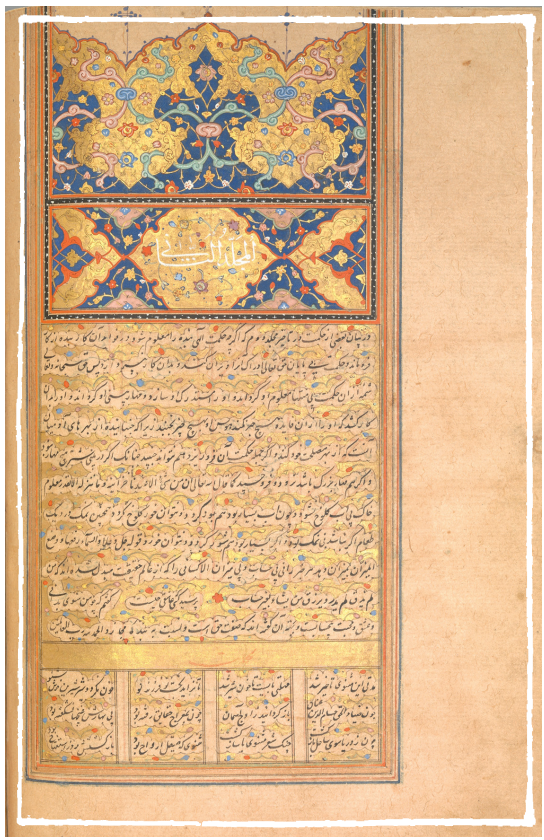
رینولد الین نیکلسون



آغاز دفتر اول مثنوی معنوی

برگی از نسخهٔ خطیِ کارشده در دورهٔ صفوی

موزهٔ متروپلیتن نیویورک | سدهٔ دهم هجری



آغاز دفتر دوم مثنوی معنوی

برگی از نسخهٔ خطی کارشده در دورهٔ صفوی

موزهٔ متروپلیتن نیویورک | سدهٔ دهم هجری



آغاز دفتر سوم مثنوی معنوی

برگی از نسخهٔ خطیِ کارشده در دورهٔ صفوی

موزهٔ متروپلیتن نیویورک | سدهٔ دهم هجری

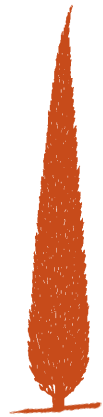


آغاز دفتر چهارم مثنوی معنوی

برگی از نسخهٔ خطیِ کارشده در دورهٔ صفوی

موزهٔ متروپلیتن نیویورک | سدهٔ دهم هجری

مثنوی ما دکان وحدت است



غیر واحد هرچه بینی آن بت است



دفتر اول مثنوی معنوی | ۵

حکایت عاشق‌شدن پادشاهی بر کنیزکی ... ۸
ظاهرشدن عجز حکیمان از معالجهٔ کنیزک ... ۹
از خداوند ولیّ التّوفیق درخواستن توفیق ... ۱۰
ملاقات پادشاه با آن طبیب الهی که ... ۱۱
بردن پادشاه آن طبیب را بر سر بیمار ... ۱۱
خلوت‌طلبیدن آن ولی از پادشاه با کنیزک ... ۱۳
دریافتن آن ولی رنج را و عرض‌کردن ... ۱۵
فرستادن شاه، رسولان به سمرقند به ... ۱۵
بیان آنکه کشتن و زهردادن مرد زرگر ... ۱۷
حکایت مرد بقّال و طوطی و ... ۱۸
داستان آن پادشاه جهود که نصرانیان را ... ۲۱
آموختن وزیر مکر، پادشاه را ۲۲
تلبیس وزیر با نصارا ۲۲
قبول‌کردن نصارا مکر، وزیر را ۲۳
متابعت‌کردن نصارا وزیر را ۲۴
قصّهٔ دیدن خلیفه لیلی را ۲۵
بیان حسد وزیر ۲۶
فهم‌کردن حاذقان نصارا مکر وزیر را ۲۷
پیغام شاه، پنهان مر وزیر را ۲۷
بیان دوازده سبط از نصارا ۲۸
تخلیط وزیر در احکام انجیل ۲۸
بیان آنکه این اختلاف در صورت روش ... ۲۹
بیان خسارت وزیر در این مکر ۳۰
مکر دیگر انگیختن وزیر در اضلال قوم ۳۲
دفع‌گفتن وزیر، مریدان را ۳۲
مکرّرکردن مریدان که خلوت را بشکن ۳۳
جواب‌گفتن وزیر کی خلوت را نمی‌شکنم ۳۴
اعتراض مریدان بر خلوت وزیر ۳۴
نومیدکردن وزیر، مریدان را از رفض خلوت ۳۶
ولیعهدساختن وزیر، هر یک امیر را ... ۳۶
کشتن وزیر، خویشتن را در خلوت ۳۷
طلب‌کردن امّت عیسی علیه‌السّلام از امرا ... ۳۷
منازعت امرا در ولیعهدی ۳۹
تعظیم نعت مصطفی علیه‌السّلام که ... ۴۰
حکایت پادشاه جهود دیگر که در هلاک ... ۴۱
آتش‌کردن پادشاه جهود و بت‌نهادن ... ۴۲
به‌سخن‌آمدن طفل در میان آتش و ... ۴۳
کژ ماندن دهان آن مرد کی نام محمّد را ... ۴۴
عتاب‌کردن آتش را آن پادشاه جهود ۴۴
قصّهٔ باد که در عهد هود علیه‌السّلام ... ۴۶
طنز و انکارکردن پادشاه جهود و ... ۴۶
بیان توکّل و ترک جهدگفتن نخچیران ... ۴۸
جواب‌گفتن شیر نخچیران را و ... ۴۸
ترجیح‌نهادن نخچیران توکّل را ... ۴۸
ترجیح‌نهادن شیر، جهد و اکتساب را ... ۴۹
ترجیح‌نهادن نخچیران، توکّل را بر اجتهاد ۴۹
باز ترجیح‌نهادن شیر، جهد را بر توکّل ۴۹
باز ترجیح‌نهادن نخچیران، توکّل را ... ۵۰
نگریستن عزرائیل بر مردی و گریختن ... ۵۱
باز ترجیح‌نهادن شیر، جهد را بر توکّل و ... ۵۱
مقرّرشدن ترجیح جهد بر توکّل ۵۲
انکارکردن نخچیران بر خرگوش ... ۵۳
جواب خرگوش نخچیران را ۵۳

اعتراض نخچیران بر سخن خرگوش ۵۳
جواب خرگوش نخچیران را ۵۳
ذکر دانش خرگوش و بیان فضیلت ... ۵۴
بازطلبیدن نخچیران از خرگوش سرّ ... ۵۵
منع‌کردن خرگوش راز را از ایشان ۵۵
قصّهٔ مکر خرگوش ۵۶
زیافت تأویل رکیک مگس ۵۷
تولیدن شیر از دیرآمدن خرگوش ۵۷
هم در بیان مکر خرگوش ۵۸
آمدن خرگوش نزد شیر و خشم شیر بر وی ۶۰
عذرگفتن خرگوش ۶۰
جواب‌گفتن شیر خرگوش را و ... ۶۱
قصّهٔ هدهد و سلیمان در بیان آنکه ... ۶۲
طعنهٔ زاغ در دعوی هدهد ۶۳
جواب‌گفتن هدهد طعنهٔ زاغ را ۶۴
قصّهٔ آدم علیه‌السّلام و بستن قضا ... ۶۴
پای‌واپس‌کشیدن خرگوش از شیر چون ... ۶۵
پرسیدن شیر از سبب پاواپس‌کشیدن ... ۶۷
نظرکردن شیر در چاه و دیدن عکس ... ۶۷
مژده‌بردن خرگوش سوی نخچیران ... ۶۹
جمع‌شدن نخچیران گرد خرگوش ... ۷۰
تفسیر رجعنا من جهاد الاصغر الی ... ۷۰
آمدن رسول روم تا امیرالمؤمنین عمر ... ۷۱
یافتن رسول روم امیرالمؤمنین عمر را ... ۷۲
سلام‌کردن رسول روم امیرالمؤمنین را ... ۷۳
سؤال‌کردن رسول روم از امیرالمؤمنین ... ۷۴
اضافت‌کردن آدم آن زلّت را به خویشتن ... ۷۵
تفسیر وَ هُوَ مَعَکُمْ اَیْنَما کُنْتُمْ ۷۷
سؤال‌کردن رسول از عمر رضی‌الله‌عنه... ۷۷
در سرّ آنکه مَنْ اَراد اَن یَجْلِسَ مَعَ اَللّٰه ... ۷۸
قصّهٔ بازرگان که طوطی او را پیغام داد ... ۷۸
صفت اجنحهٔ طیور عقول الهی... ۸۰
دیدن خواجه، طوطیان هندوستان را در ... ۸۰
تفسیر قول فریدالدّین العطّار ... ۸۱
تعظیم ساحران مر موسی را علیه‌السّلام ... ۸۲
بازگفتن بازرگان با طوطی آنچه دید از ... ۸۳
شنیدن آن طوطی حرکت آن طوطیان و ... ۸۵
تفسیر قول حکیم ... ۸۸
رجوع به حکایت خواجهٔ تاجر ۹۰
برون‌انداختن مرد تاجر طوطی را از قفس ... ۹۱
وداع‌کردن طوطی، خواجه را و پریدن ۹۲
مضرّت تعظیم خلق و انگشت‌نمای‌شدن ۹۲
تفسیر ما شاء الله کان ۹۳
داستان پیر چنگی که در عهد عمر ... ۹۵
از بهر خدا روز بینوایی چنگ زد میان ... ۹۵
در بیان این حدیث که انّ لربّکم فی ایّام ... ۹۷
قصّهٔ سؤال‌کردن عایشه رضی‌الله‌عنها ... ۹۹
تفسیر بیت حکیم ... ۱۰۰
در معنی این حدیث کی اغتنموا بَرد الرّبیع ... ۱۰۱
پرسیدن صدّیقه رضی‌الله‌عنها از مصطفی ... ۱۰۲
بقیهٔ قصّهٔ پیر چنگی و بیان مخلص آن ۱۰۲
در خواب گفتن هاتف مر عمر را ... ۱۰۴
نالیدن ستون حنّانه چون برای پیغامبر ... ۱۰۴
اظهار معجزهٔ پیغامبر علیه‌السّلام ... ۱۰۶

بقیهٔ قصّهٔ مطرب و پیغام‌رسانیدن ... ۱۰۶
گردانیدن عمر رضی‌الله‌عنه نظر او را ... ۱۰۸
تفسیر دعای آن دو فرشته که هر روز ... ۱۰۹
قصّهٔ خلیفه کی در کرم در زمان خود از ... ۱۱۰
قصّهٔ اعرابی درویش و ماجرای زن او با ... ۱۱۱
مغرورشدن مریدان محتاج به مدّعیان مزوّر ... ۱۱۱
در بیان آنکه نادر افتد که مریدی در مدّعی ... ۱۱۲
صبرفرمودن اعرابی زن را و فضیلت صبر و ... ۱۱۳
نصیحت‌کردن زن مر شوی را که سخن ... ۱۱۴
نصیحت‌کردن مرد مر زن را که در فقیران ... ۱۱۵
در بیان آنکه جنبیدن هر کسی از آنجا ... ۱۱۶
مراعات‌کردن زن شوهر را و استغفارنمودن ... ۱۱۸
در بیان این خبر که انّهنّ یغلبنّ العاقل ... ۱۱۹
تسلیم‌کردن مرد خود را به آنچه التماس زن ... ۱۲۰
در بیان آنکه موسی و فرعون هر دو مسخّر ... ۱۲۰
سبب حرمان اشقیا از دو جهان که خسر ... ۱۲۲
حقیر و بی‌خصم دیدن دیده‌های حس ... ۱۲۳
در معنی آنکه مرج‌البحرین یلتقیان بینهما ... ۱۲۶
در معنی آنکه آنچه ولی کند مرید را نشاید ... ۱۲۷
مخلص ماجرای عرب و جفت او ۱۲۸
دل‌نهادن عرب بر التماس دلبر خویش ... ۱۲۹
تعیین‌کردن زن طریق طلب روزی ... ۱۳۱
هدیه‌بردن عرب سبوی آب باران از میان ... ۱۳۲
در نمد دردوختن زن عرب سبوی آب باران ... ۱۳۲
در بیان آنکه چنان که گدا عاشق کرم است ... ۱۳۴
فرق میان آن که درویش است به خدا و ... ۱۳۴
پیش‌آمدن نقیبان و دربانان خلیفه از بهر ... ۱۳۵
۱۳۶ در بیان آنکه عاشق دنیا بر مثال عاشق ...
۱۳۷ مثل عرب اذا زَنَیتَ فازن بالحُرهٔ واذا سَرقتَ ...
۱۳۷ سپردن عرب هدیه را یعنی سبو را به ...
۱۳۸ حکایت ماجرای نحوی و کشتی‌بان
۱۳۹ قبول‌کردن خلیفه هدیه را و عطافرمودن ...
۱۴۲ در صفت پیر و مطاوعت وی
۱۴۴ وصیّت‌کردن رسول علیه‌السّلام علی ...
۱۴۵ کبودی‌زدن قزوینی بر شانه‌گاه صورت ...
۱۴۶ رفتن گرگ و روباه در خدمت شیر به شکار
۱۴۷ امتحان‌کردن شیر گرگ را و گفتن که پیش ...
۱۴۸ قصّهٔ آن که در یاری بکوفت از درون ...
۱۴۹ صفت توحید
۱۵۰ ادب‌کردن شیر گرگ را که در قسمت ...
۱۵۱ تهدیدکردن نوح علیه‌السّلام مر قوم را که ...
۱۵۲ نشاندن پادشاهان صوفیان عارف را پیش ...
۱۵۳ آمدن مهمان پیش یوسف علیه‌السّلام و ...
۱۵۴ گفتن مهمان یوسف را که آینه‌ای آوردمت ...
۱۵۶ مرتدشدن کاتب وحی به سبب آنکه پرتو ...
۱۵۹ دعاکردن بلعم باعور که موسی و قومش ...
۱۶۰ اعتمادکردن هاروت و ماروت بر ...
۱۶۱ باقی قصّهٔ هاروت و ماروت و نکال و ...
۱۶۲ به‌عیادت‌رفتن کر بر همسایهٔ رنجور خویش
۱۶۴ اوّل کسی که در مقابلهٔ نص قیاس آورد ...
۱۶۵ در بیان آنکه حال خود و مستی خود پنهان ...
۱۶۷ قصّهٔ مری‌کردن رومیان و چینیان در علم ...
۱۶۸ پرسیدن پیغامبر علیه‌السّلام مر زید را ...
۱۷۲ متّهم‌کردن غلامان و خواجه‌تاشان مر ...

بسم الله الرّحمن الرّحيم

هـذا كتـابُ المثنـوى و هو اصولُ اصولِ اصولِ الدّين، فى كشْـفِ اسـرارِ الوصولِ و اليقين، و هـو فقـهُ اللهِ الاكبر و شَـرْعُ اللهِ الازهـر و برهانُ الله الاظهر، مَثَلُ نورِهِ كمشـكاةٍ فيها مصباحٌ يُشرِقُ اِشراقاً اَنورَ من الاِصباح، و هو جِنانُ الجَنانِ ذوالعيون و الاغصان، منها عينٌ تُسمّى عند ابنآءِ هذا السّبيلِ سلسبيلاً و عند اصحابِ المقامات و الكرامات خيرٌ مقاماً و احسنُ مَقيـلا الابـرارُ فيـهِ يأكلـونَ و يشـربونَ و الاحـرارُ منهُ يَفرَحـون و يَطرَبون، و هـو كَنيلِ مصرَ شرابٌ للصّابرين و حسْرةٌ على آلِ فرعونَ و الكافِرين، كَما قال تعالى يُضلُّ بِهِ كثيراً و يَهدى بـه كثيـرا، و انّـهُ شِـفاءُ الصّدورِ و جَـلاءُ الاحزانِ و كَشّـافُ القرآن و سَـعَةُ الارزاقِ و تَطبيبُ الاخلاقِ بِأيدَى سَـفرَةٍ كِرامٍ بَرَرَةٍ يَمنَعون أَن لا يَمَسُّـهُ الّا المطهّرون، تنزيلٌ من ربِّ العالمين لا يَأتيهِ الباطلُ من بينِ يديهِ و لا من خَلْفِهِ، و اللهُ يَرصُدُه و يَرقُبُه و هو خيرٌ حافظاً و هو أَرحمُ الرّاحِمين، و لَـهُ القـابٌ اُخَـرٌ لقّبَهَ الله تعـالى و اقتَصَرنا على هذا القليـلِ و القليلُ يَدُلّ على الكثيـرِ و الجُرعَـةُ تـدلّ على الغدير، و الحَفنةُ تدلّ على البَيْـدَر الكبير، يقولُ العبدُ الضّعيفُ المحتـاجُ الى رحمـةِ اللهِ تعالى محمّدُبن محمّدِبن الحسـينِ البلخى تَقَبّلَ اللهُ منهُ اَجتَهَدتُ فى تطويلِ المنظومِ المثنويّ المُشـتَمِل على الغرايبِ و النّوادرِ و غُرَرِ المقالاتِ و دُرَرِ الدّلالاتِ و طريقةِ الزُهّادِ و حديقةِ العُبّاد، قصيرةُ المبانى، كثيرةُ المعانى، لِإستدعآءِ سيّدى و سَنَدى و معتمَـدى و مـكانِ الـرّوحِ من جَسَـدى و ذخيرةِ يومى و غَدِى، و هوَ الشّـيخُ قدوَةَ العارفين و امـامُ اهـلِ الهُـدى و اليقين، مُغيـثُ الوَرى، امينُ القلوبِ و النُّهـى، وَديعةُ اللهِ بينَ خليقتِهِ

و صَفوتِهِ فی بَریّتِهِ و وصایاهُ لِنبیّه و خَباياهُ عند صفیّهِ، مفتاحُ خزایـنِ العرشِ، امینُ کُنوزِ الفـرش، ابوالفضائل حُسـامِ الحقّ و الدّینِ حَسَـنُ‌بنُ محمّدِبن الحسـنِ المعـروف بِإبنِ أَخی تُـرک ابویزیـد الوقت، جُنَیدُ الزّمان، صِدّیقُ‌بنُ صِدّیقِ‌بـنِ الصدّیق رضیَ اللّهُ عنهُ و عنهمُ الأُرمَویُّ الاصلِ المنتسـبُ الی السّـیخِ المکرّمِ بِما قالَ اَمسَـیْتُ کُردیّا و اَصبَحتُ عربیّا قَدّسَ اللّهُ روحَهُ و ارواحَ اخلافِهِ فنعمَ السّلَفُ و نِعمَ الخلَفُ، لهُ نسَبٌ أَلْقَتِ الشّمسُ علیهِ رداءَها و حَسَـبٌ أَرْخَتِ النّجومُ لَدَیهِ أَضواءَها، لم یَزَل فِناءُهم قِبلةَ الاقبالِ یتوجّهُ الیها بَنو الوُلاةِ و کعبةُ الآمالِ یطوفُ بها وُفودُ العُفاةِ، و لا زالَ کذلکَ ما طَلَعَ نجمٌ و ذرَّ شارقٌ لیکونَ معتصماً لاولی البصائرِ الربانیّینِ الروحانیّینَ السـمائیّینَ العرشیّینَ النوریّینَ، السُّکّتِ النُظّار، الغُیَّبِ الحضّار، الملوکِ تحتَ الاطمارِ اَشرافُ القبائل، اصحابُ الفضائل، انوارُ الدّلائل آمّینَ یا ربَّ العالمین و هذا دعاءٌ لا یُردُّ فَإنَّهُ دعاءٌ لِاصنافِ البریّةِ شاملٌ، و الحمدللهِ ربِّ العالمین و صلّی اللّهُ علی خیرِ خلقِهِ محمّدٍ و آلِهِ الطّیّبینَ الطّاهرین.

دفتر اول

مثنوی معنوی

بسم الله الرّحمن الرّحیم

بشنو از نی چون حکایت می‌کند
از جدایی‌ها شکایت می‌کند

کز نیستان تا مرا ببریده‌اند
از نفیرم مرد و زن نالیده‌اند

سینه خواهم شرحه‌شرحه از فراق
تا بگویم شرح درد اشتیاق

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش
باز جوید روزگار وصل خویش

من به هر جمعیّتی نالان شدم
جفت بدحالان و خوش‌حالان شدم [۵]

هر کسی از ظنّ خود شد یار من
از درون من نجست اسرار من

سرّ من از نالهٔ من دور نیست
لیک چشم و گوش را آن نور نیست

تن ز جان و جان ز تن مستور نیست
لیک کس را دید جان دستور نیست

آتش است این بانگ نای و نیست باد
هر که این آتش ندارد، نیست باد

آتش عشق است کاندر نی فتاد
جوشش عشق است کاندر می فتاد [۱۰]

نی حریف هر که از یاری برید
پرده‌هایش پرده‌های ما درید

همچو نی زهری و تریاق که دید؟
همچو نی دمساز و مشتاق که دید؟

نی حدیث راه پرخون می‌کند
قصّه‌های عشق مجنون می‌کند

محرم این هوش جز بیهوش نیست
مر زبان را مشتری جز گوش نیست

در غم ما روزها بی‌گاه شد
روزها با سوزها همراه شد [۱۵]

روزها گر رفت گو رو باک نیست
تو بمان ای آن که چون تو پاک نیست

هر که جز ماهی ز آبش سیر شد
هر که بی‌روزی‌ست روزش دیر شد